

کلیدهای بهره‌مندی از قرآن

امیرحسین بانکی‌پور فرد
عضو هیات علمی دانشگاه اسفهان

مقدمه

قرآن کریم می‌فرماید: (هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ) (۱) یعنی این قرآن کتاب روشنگری است برای مردم و هدایت‌گر و راهنما و پندی است برای اهل تقوا. کتابی که در توصیف خودش کلام خدا را نور، (۲) رحمت، (۳) ذکر، (۴) موعظه (۵) و هدایت (۶) می‌داند که در آن هیچ ریب، (۷) شک - تردید - اعوجاج (۸) و باطلی (۹) راه نداشته و ندارد. از جمله اوصافی که قرآن درباره خود دارد و شاید از جمله وجوه اعجاز قرآن کریم محسوب شود، این آیه است (وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ) (۱۰) ما بر تو قرآن را فرستادیم، تا حقیقت هر چیز را بیان کند و یا به عبارت دیگر روشن‌کننده حقیقت هر چیز باشد. در آیه دیگر خداوند تبارک و تعالی فرموده است (ما فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ) (۱۱) ما هر آنچه نیاز (مخلوقاتمان و سرآمد آنها انسان) بوده در این کتاب فرو گذار نکردیم. با آنچه گذشت موضوع مورد نظر ما برای خوانندگان محترم مشخص شد و آن را رمز و رازها و یا کلیدهای بهره‌مندی از قرآن با برداشت‌هایی که از آیه شریفه (تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ) (۱۲) مطرح است می‌باشد.

- ۱ - سوره آل عمران آیه ۱۳۸.
- ۲ - سوره نساء آیه ۱۷۴.
- ۳ - سوره یونس - آیه ۵۷.
- ۴ - آل عمران - آیه ۵۸.
- ۵ - آل عمران - آیه ۱۳۸.
- ۶ - سوره نحل - آیه ۶۴.
- ۷ - سوره بقره - آیه ۱.
- ۸ - سوره زمر - آیه ۲۸.
- ۹ - سوره فصلت - آیه ۴۲.
- ۱۰ - سوره نحل - آیه ۸۹.
- ۱۱ - سوره انفام - آیه ۲۸.
- ۱۲ - سوره نحل - آیه ۸۹.

حی تیان، کلیدی راهگشا:

یکی از آیات بحث برانگیز قرآن کریم، آیه (تبیاناً لکل شیء) است که ما را با بسیاری از حقایق قرآن آشنا می‌کند و به عنوان کلید راهگشایی است که از درون آن می‌توان به ماهیت قرآن پی برد. در برنامه‌های کامپیوتری، کلیدی به نام کلید کمک یا help وجود دارد که اطلاعات بیشتری از برنامه‌های نصب شده بر روی سیستم را به ما می‌دهد. کلید دریافت بسیاری از اطلاعات و حقایق قرآنی آیه (تبیاناً لکل شیء) است که مستقیماً کل قرآن را نشانه رفته و جای هیچگونه تأویلی در آن نیست. علامه طباطبایی، در تفسیر شریف المیزان ذیل آیه (تبیان) آورده: «تبیان به معنای بیان است و چون قرآن کریم تبیان هر چیزی است و علم ما کان و ما یکون و ما هو کان، است (یعنی آنچه بوده و هست و خواهد بود) همه در قرآن کریم هست پس مراد به تبیان، اعم از بیان، به طریق دلالت لفظی است و در قرآن اشارات و اموری است که اسرار و نهفته‌هایی از آن کشف می‌شود» (۱۳)

حی تبیان چراغی روشنگر:

در قرآن کریم آیاتی آمده که بر حسب جایگاه آیه یا کلمات آن می‌شود تعبیر مختلفی از آن ارائه نمود به طور مثال: در آیه (ولا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین) (۱۴) یعنی هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتاب مبین (قرآن) جمع است. نظرات مفسرین در این عبارت این است که می‌گویند: «این کتاب مبین قرآن نیست بلکه کتابی در آسمان‌ها است. دلیلی که بر این نظر ارائه می‌دهند این است که قرآن در سیر نزولی اش در هر عالمی که قرار گرفت، اسمی پیدا کرد. مرتبه نازل آیه‌ای که ما با این کلمات آشنا شدیم را، «قرآن» و مرتبه بالاترش که در آسمان است را کتاب «مبین» می‌گویند و گنجینه‌های غیب و کلیدهای خزاین غیبی امور جهان هستی با تمام جزئیات آن در کتاب مبین است.

منتها عبارت (تبیاناً لکل شیء) (۱۵) منظور همین قرآنی است که خداوند برای ما نازل کرده و شش هزار و دویست و سی و شش آیه و ۷۷۷۰۱ کلمه و ۳۰ جزء و ۱۱۴ سوره دارد و نظر مفسران بر این نیست که کتاب دیگری مدنظر باشد و تبیان به عنوان چراغی روشنگر، پاسخگوی هر سؤالی است که از قرآن داریم و آن را برای ما روشن می‌کند و مسائل و مشکلات ما را حل می‌نماید. دیگر اینکه تبیان محدود نبوده بلکه «لکل شیء» است. و به صورت مطلق ذکر شده، یعنی قرآن پاسخگوی هر ابهام و مسأله در هر زمان و عصری می‌باشد.



حی تیان در نگاه معصومین (علیهم السلام)

قرآن کریم کتاب جامع برای بیان همه نیازهای جامعه است و تیان همه چیز بودن، یا مستقیم است یا به واسطه آیاتی که در آن اصولی مطرح شده و آن اصول برای ما کارساز است. نظیر آیه (ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا) (۱۶) آنچه را پیامبر برای شما آورد بگیرید و از آنچه شما را نهی کرده دور شوید و نظیر آیه (لتبین للناس ما نزل الیهم) (۱۷)

به اسم نورانی حضرت رسول اکرم ﷺ آمده است که: قرآن را هفت بطن یا هفتاد بطن است و از هر بطنی از بطون قرآن، جمعی که قابل آن هستند بهره می‌برند، ولی علم جمیع آن بطون نزد معصوم است. (۱۸)

به تعبیر دیگر، قرآن بیان هر چیز است اما همه کس آن را نمی‌فهمد، چنانچه حضرت علیؑ فرموده است: «در قرآن، برای عوام، عبارت ظاهری، برای خواص، اشارت رمزی، برای اولیای خدا، لطائف الهی و برای انبیاء، حقایق است» (۱۹) و در کلام دیگری حضرت علیؑ فرموده اند: «خبر شما و تاریخ گذشتگان و آیندگان و آسمان و زمین در قرآن آمده است» (۲۰)

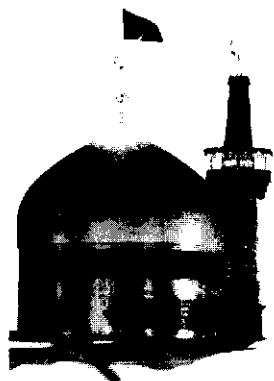
در تفسیر صافی از امام صادقؑ نقل شده که آن حضرت فرمود: «به خدا قسم! ما هر چه را در آسمان‌ها و زمین و آنچه را در میان آنهاست و هر چه در بهشت و دوزخ است می‌دانیم» و سپس امام آیه (تبیانا بکل شیء) را سه بار پی در پی تلاوت فرمود. (۲۱)

در تفسیر کنزالدقایق از امام باقرؑ آمده است که حضرت فرمود: «هر چه را که امت به آن نیاز داشته، در قرآن آمده است و هر سخنی که از من شنیدید اگر سند قرآنی اش را بخواهید، خواهم گفت» (۲۲)

همچنین امام رضاؑ در جلسه‌ای به رؤسای ادیان فرموده اند: از معجزات پیامبر اسلام ﷺ آن است که کتابی داشته باشد که (تیانا لکل شیء) باشد و اخبار گذشته و آینده تا قیامت در آن ثبت شده است (۲۳)

حی تیان و کارکردهای نورانی:

شیوه‌های قرآن مانوسه ائمه هدی در بهره‌مندی و بهره‌برداری از آیات و حیاتی، کارکردهای نورانی تیان را برای ما مشخص ساخته است. بر اساس روایات متعدد وارده از حضرات معصومینؑ با سه کارکرد تفسیری از (تیان) روبرو می‌شویم که به طرح آنها خواهیم پرداخت: کارکرد اول، «تیان و رمزگشایی»، کارکرد دوم «تیان و هدایت گسترده» و کارکرد سوم «تیان و علم آفرینی» است که به اختصار به طرح آنها می‌پردازیم.



- ۱۶ - سوره حشر - آیه ۷.
- ۱۷ - سوره نحل - آیه ۴۴.
- ۱۸ - مشکوٰه الاتوار (علامه مجلسی) تنویر اول ص ۷۴ و ص ۷۵. تفسیر فرقان ذیل تفسیر آیه تیان.
- ۱۹ - ۵۰۴ - (تفسیر نوح ۶ ص ۳۹۵).
- ۲۰ - همان
- ۲۱ - همان
- ۲۲ - همان

❦ تَبْيَان و رَمَز گشایی:

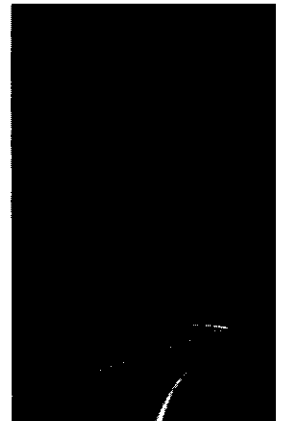
یکی از کارکردهای مطرح نزد ائمه معصومین علیهم‌السلام از عبارت (تَبْيَاناً لِّكُلِّ شَيْءٍ) (۲۴) رمزگشایی از آیات و بیان معرفت، مستتر در آیات بوده است. افراد مختلف نزد ائمه علیهم‌السلام می‌آمدند و سؤال می‌کردند: آیا هر چیزی که می‌خواهیم در قرآن کریم است؟! و ائمه پاسخ آنها را می‌دادند که آری! و از روی قرآن هر چه می‌خواستند برایشان توضیح می‌دادند، مثلاً شخصی نزد حضرت علی علیه‌السلام آمد و سؤال کرد آیا جمله رمزی در قرآن داریم؟ حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: آری. سؤال کرد کجای قرآن؟ حضرت فرمودند: (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هِيَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا) (۲۵) به معنای اینکه هیچ جنبه‌ای نیست مگر اینکه موهای پیشانی اش دست خداست. حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: این جمله رمزی سوره هود است و یعنی (تمام) اختیارات موجودات به دست خدا است).

❦ تَبْيَان و هِدَايَت گستری:

کارکرد دوم نزد ائمه معصومین علیهم‌السلام از عبارت (تَبْيَاناً لِّكُلِّ شَيْءٍ) هدایت گستری قرآن است: هر آنچه که برای هدایت بشر لازم است در قرآن هست و ما باید ببینیم در مسیر هدایت به دنبال چه چیزی هستیم. در بحث هدایت؛ قرآن می‌گوید: اگر انسان می‌خواهد به کمال برسد و رشد و تعالی پیدا کند نیازی نیست خودش را در کتابخانه دنیا گم کند، آنچه برای هدایت او لازم است من آورده ام. هیچ نکته‌ای نیست که به هدایت انسان مربوط باشد مگر اینکه در قرآن وجود دارد. مضافاً اینکه شیوه هدایت قرآن مطابق با فطرت و طبیعت انسان است و هدایت گستری قرآن منطقی مخصوص به خودش را دارد. لذا اگر در ترتیب سوره‌های قرآنی تأمل کنید، نظم و روش ترتیبی که ما با آن عادت داریم ندارد چون می‌خواهد، هدایت کند. طبق این بیان انسان باید خودش را در اختیار قرآن قرار دهد تا از هدایت قرآن بهره مند شود. با نگاه هدایت گستری و تربیت انسان و کمال بخشی او، وقتی به قرآن نگاه می‌کنیم سراسر آیات چنین صبغه‌ای را به خود می‌گیرد و نور هدایت خود را متجلی می‌سازد؛ چرا که قرآن (تَبْيَاناً لِّكُلِّ شَيْءٍ) است و کل شیء‌ای که هدایت می‌کند انسان را به صراط مستقیم الهی.

❦ تَبْيَان و عِلْم آفرینی:

کارکرد سوم تبیان نزد ائمه معصومین علیهم‌السلام علم آفرینی است. در روایتی از ایشان آمده است که: علم «ماکان» علم «مایکون» و علم «ما هو کان» در قرآن پیدا می‌شود. برآستی منظور از این



۲۴ - سوره نحل - آیه ۸۹
 ۲۵ - سوره هود، آیه ۵۶ (این آیه را حضرت علی علیه‌السلام در دعای کمیل نیز آورده اند) و این آیه از جملات رمزی قرآن است.

علوم چیست؟ منظور، عوارض علم نیست، با خواص علم کار داریم. انسان برای چه به دنبال علم می رود، برای حقیقت طلبی، دانش خواهی و غیره .. راه تعالی بشر چیست؟

هر علمی حاوی یک ثمرات و فوایدی است مانند میوه ها که هر کدام حاوی ویتامین هایی است. حال اگر یک میوه ای کشف شود و بگویند که سایر ویتامین ها در این میوه موجود است، یعنی تمامی ثمرات و فوایدی که در میوه ها بوده، همه در این میوه جمع است و شما خواص همه آن میوه ها را در آن میوه می بینید. قرآن کریم عصاره همه علوم است و همه آثار؛ ثمرات؛ فواید و خواص علوم بدون هیچ شکی در قرآن کریم است. (ذکر الكتاب لا ریب فیہ) (۲۶) و جزء جزء گزاره های علمی که به انسان رسیده اند، عصاره اش یک جا جمع است و آن قرآن است که انسان باید در پرتو راسخان در علم، یعنی ائمه اطهار علیهم السلام آنها را از قرآن کشف، استخراج و به کار گیرد.

شیوه عموم قرآن مأنوسان در بهره مندی از قرآن، استفاده به صورت آیه، آیه است، اما اگر بتوانیم به نحو شایسته ای آیات قرآن را در هم ترکیب کنیم، دو آیه - سه آیه، استفاده مولکولی از قرآن خواهیم کرد. یعنی با ترکیب اتم ها به مولکول های جدیدی می رسیم که نتیجه زیبایی به همراه دارد، به تعبیر دیگر بهره گیری از تفسیر موضوعی و چینش آیات در کنار یکدیگر و اثبات موضوع جدید و ارائه معرفتی تازه. و این همان کارکرد (تبیانا لكل شیء) (۲۷) است.

یک بحث دیگر که در علوم کلاسیک مطرح بوده، اصل تجزیه پذیری است. بشر مدتها بر این اصل حرکت می کرد.

این اصل معنایش این است و مبنای همه علوم بود که آدم تا بخواهد یک گزاره یا یک حقیقتی را درک کند، باید اول اجزایش را درک کند تا بتواند کل را درک کند. مثال: من می خواهم درک کنم این شیء کارش چیست؟ جزء ها را که معرفی کردم بعد ترکیبش، می گوید این کارش چیست. لذا بشر اجزاء را شناسایی می کرد تا کل را درک کند، این را می گویند اصل تحول پذیری و تجزیه پذیری اصل حاکم بر همه علوم بود. از اوایل قرن بیستم دانشمندان بدون هماهنگی هم هر کدام در رشته کاری خود به این نتیجه رسیدند که این اصل غلط است و اصل معکوس آن درست است که می گویند: کل نگری. یعنی تا کل شناخته نشود جزء شناخته نمی شود. یعنی برای اینکه جزء را بشناسید اول باید کل را بشناسید. و این اصل در همه علوم جدید پذیرفته شده



است. اگر موجودی را از فضا بیاوریم و یک آدم را نشان دهیم و بخواهیم این آدم را به او بفهمانیم، نمی‌فهمد، او اول باید نوع انسان‌ها را بفهمد تا اینکه بگوئیم مرد است یا زن، تا بفهمد. تا با کل آشنا نشود هیچ چیز از انسان نمی‌فهمد. یعنی تا کل روشن نشود جزءش معلوم نمی‌شود.

هر کلی هم جزء کل بزرگتری است، علوم به این نتیجه رسیدند تا کل بزرگتر روشن نشود جزء کوچکتر معلوم نمی‌شود. قرآن (تبیانا لکل شیء) است روشن‌گر هر چیزی است، چرا؟ چون که قرآن می‌خواهد کل هستی را به ما معرفی کند. آدم تا کل هستی برایش روشن نشود اجزای حقیقت برایش معنی پیدا نمی‌کند. علوم خیلی پیشرفت کرده اما خیلی گیج شده است. چون خیلی چیزها را دارد می‌فهمد، ولی چون کل بزرگتر را نمی‌فهمد، درک صحیحی از ارتباط افراد با هم ندارد. چون کل روشن نیست

نمی‌فهمد، قرآن آمده کل هستی را بشکافد، کل حیات را توضیح بدهد، کل خلقت و انسان را توضیح دهد. تا آن کل روشن نشود، اجزاء روشن نمی‌شود و لذا قرآن (تبیانا لکل شیء) خود را معرفی می‌کند چون کل را معرفی می‌کند تا اجزاء روشن شود. برخی گفته‌اند که در بطون قرآن، همه چیز آمده است و برخی معتقدند: هر چیزی که به اهداف این کتاب که انسان‌سازی است، بر می‌گردد، آمده است. والسلام

